

به ادامه مطالعات علمی و پژوهشی
پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

فصل سوم

مطالعه ما در مورد موضوع عقل میباشد و آن هم در تحت این عنوان

عقل چیست و انسان چه وقت عاقل میشود

نویسنده: نیکلاس ماکسول «Nicholas Maxwell»

تصورات غلط در مورد خرد

Misconceptions Concerning Wisdom

چکیده

اگر دغدغه ما کمک به شکوفایی خرد در جهان است، وظیفه اصلی پیش روی ما این است که دانشگاه را به گونه ای تغییر دهیم که وظیفه مناسب خود یعنی جستجو و ترویج خرد را به جای صرفاً کسب دانش بر عهده بگیرد. بهبود دانش در مورد خرد جایگزین آن نیست؛ و تلاش برای جستجوی تعریف صحیح خرد نیز جایگزین آن نیست.

کلمات کلیدی: خرد، تعریف، دانش، رشد خرد، پژوهش دانشگاهی، عقلانیت، مشکلات جهانی.

1. آیا به دانش بیشتری در مورد خرد نیاز داریم؟

بسیاری معتقدند که جهان به سمت فاجعه پیش می‌رود. و وقتی مشکلات جهانی جدی که با آن روبرو هستیم و ناتوانی وحشتناک ما در پاسخ به آنها را در نظر می‌گیریم، به سختی می‌توان نتیجه نگرفت که واقعاً همین‌طور است. رشد انفجاری جمعیت جهان، توسعه و گسترش تسلیحات مدرن و ماهیت مرگبار جنگ‌های مدرن، تخریب زیستگاه‌های طبیعی و انقراض سریع گونه‌ها، نابرابری‌های عظیم ثروت و قدرت در سراسر جهان، کاهش منابع طبیعی محدود، آلودگی زمین، دریا و هوا، و بالاتر از همه، گرمایش جهانی و همه فاجعه‌ای که بشریت را تهدید می‌کند: هیچ یک از اینها نوید بخش آینده خوبی نیست. ما می‌دانیم که این مشکلات جهانی ما را تهدید می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که فاقد ظرفیت و خرد لازم برای حل آنها هستیم. همان‌طور که رابرت استرنبرگ اخیراً اظهار داشته است: «اگر چیزی باشد که جهان به آن نیاز دارد، آن خرد است. بدون آن، اغراق نمی‌کنم که بگویم خیلی زود، ممکن است جهانی وجود نداشته باشد.»¹ این ملاحظه ممکن است استرنبرگ و دیگران را در سال‌های اخیر به آغاز و توسعه مطالعه علمی خرد سوق داده باشد. اگر قرار است جهان به خرد حیاتی دست یابد - همان‌طور که تلویحاً فرض می‌شود - ابتدا باید بدانیم خرد چیست و چگونه باید آن را به دست آورد. ما به دانش بیشتری در مورد خرد نیاز داریم.

من برای اولین بار در نتیجه انتشار کتاب استرنبرگ با عنوان «خرد: ماهیت، خاستگاه‌ها و توسعه آن» در سال ۱۹۹۰، که نوزده محقق، از جمله خود استرنبرگ، در آن مشارکت داشتند، از این حوزه جدید مطالعه علمی خرد آگاه شدم. از آن زمان، تحقیقات علمی در مورد خرد افزایش یافته است.

بدون شک، طرح ابتکاری دانشگاه شیکاگو، یک برنامه تحقیقاتی ۲ میلیون دلاری در مورد «ماهیت و مزایای خرد» که تا حدودی به دنبال دستیابی به تعریفی از خرد است، در این زمینه نقش دارد.

آیا این افزایش تحقیقات علمی در مورد خرد، پاسخی مناسب به بحران‌های جهانی است که با آن روبرو هستیم؟ منطق پشت این تحقیق روشن است. اگر قرار است امور سیاره‌ای خود را به شیوه‌های خردمندانه‌تری نسبت به گذشته مدیریت کنیم، به شدت به خرد بیشتری در جهان نیاز داریم. برای کشف چگونگی دستیابی به این هدف، به نظر می‌رسد آنچه نیاز داریم، دانش و درک بیشتر در مورد ماهیت خرد، چرایی آن، ریشه‌های آن و چگونگی کسب و توسعه آن است. از این رو، رشد تحقیقاتی که به دنبال تعریف خرد و بهبود دانش علمی و درک ما از آن است، وجود دارد.

همه اینها به اندازه کافی منطقی به نظر می‌رسد، اما از نظر من، نشان دهنده یک پاسخ کاملاً ناکافی به بحران‌هایی است که با آن مواجه هستیم. چیزی بسیار رادیکال‌تر از افزایش دانش در مورد خرد مورد نیاز است. آنچه ما نیاز داریم، یک تحول اساسی در اهداف و روش‌ها، کل شخصیت علم و به طور کلی‌تر در پژوهش‌های دانشگاهی است، به طوری که هدف اساسی دانشگاه، جستجو و ترویج خرد باشد. ما به شدت به نوع جدیدی از

پژوهش دانشگاهی نیاز داریم که مشکلات زندگی را در قلب این اقدام قرار دهد، مشکلات دانشی که از فعالیت فکری مرکزی و بنیادی پیشنهاد خلاقانه و ارزیابی انتقادی اقدامات، سیاست‌ها، برنامه‌های سیاسی و فلسفه‌های زندگی ممکن که برای کمک به حل مشکلات جهانی ما طراحی شده‌اند، ناشی می‌شوند و به آنها باز خورد می‌دهند. این نوع جدید پژوهش، عقل را به وظیفه کمک به ما برای پیشرفت به سوی جهانی هرچه بهتر اختصاص می‌دهد. خلاصه اینکه، به جای جستجوی دانش بیشتر در مورد خرد، تمام تحقیقات عقلانی باید به کسب و ارتقای خرد اختصاص یابد - خرد به عنوان ظرفیت و تمایل فعال برای درک - درک و خلق - آنچه در زندگی برای خود و دیگران ارزشمند است، درک می‌شود. خرد به این معنا شامل دانش، دانش فنی و درک است، اما چیزهای دیگری نیز علاوه بر آن وجود دارد. 5

همانطور که در جای دیگری به تفصیل استدلال کرده‌ام، 6 تمام مشکلات جهانی فعلی ما نتیجه‌ی پیگیری موفقیت‌آمیز دانش علمی و دانش فنی به روشی است که از تلاش اساسی‌تر برای کشف چگونگی مقابله با مشکلات زندگی هوشمندانه، مؤثر و انسانی ما جدا شده است. پیگیری موفقیت‌آمیز دانش علمی و دانش فنی، صنعت، کشاورزی، پزشکی و بهداشت مدرن را ممکن می‌سازد که به نوبه خود منجر به مزایای بزرگی برای بشریت می‌شود، اما همچنین به تمام مشکلات جهانی ما منجر می‌شود: رشد جمعیت، تسلیحات مدرن، تخریب زیستگاه‌های طبیعی، گرمایش جهانی و موارد دیگر. کاری که باید انجام دهیم این است که تحقیقات علمی و فناوری را در تلاش بنیادی‌تر برای کشف چگونگی حل مشکلات جهانی خود به روش‌های عقلانی مشارکتی فزاینده - به ویژه آن‌هایی که توسط علم مدرن ایجاد یا ممکن شده‌اند - بگنجانیم.

به طور خلاصه، کسب دانش بیشتر در مورد خرد در وضع موجود، جایگزینی برای انقلاب در نهادهای آموزشی و پژوهشی ما نیست که ما به شدت به آن نیاز داریم تا وظیفه اساسی ما کمک به ایجاد جهانی خردمندتر شود.

کسانی که در یک زمینه دانشگاهی به دنبال دانش در مورد خرد هستند، باید توجه داشته باشند.

بزرگترین مانع رشد خرد - خرد شخصی، خرد نهادی، خرد اجتماعی، حتی خرد جهانی - به سادگی، بی‌منطقی ساختاری، فاحش و دیرینه دانشگاه است که به دنبال دانش است. نوع دقیق‌تری از تحقیق دانشگاهی را که به دنبال خرد است، همانطور که در بالا تعریف شد، توسعه دهید، و خرد در جهان ما شکوفا خواهد شد.

خرد - پژوهی - همانطور که من آن را پژوهشی عقلانی و معطوف به جستجوی خرد می‌نامم - مستلزم آن است که ارزش‌ها، احساسات و خواسته‌ها در حوزه فکری پژوهش بیان و به طور انتقادی بررسی شوند، زیرا درک آنچه از نظر عقلانی ارزشمند است مستلزم آن است که این کار انجام شود. برای خرد، همانطور که در کتاب اولم گفتم، باید «ذهن را با قلب و قلب را با ذهن در تماس قرار دهیم تا بتوانیم ذهن‌های قلبی و قلب‌های هوشیار را

پرورش دهیم» 7. اما دانش-پژوهی (به طور کلی آنچه در حال حاضر داریم) مستلزم آن است که ارزش‌ها، احساسات و خواسته‌ها از حوزه فکری پژوهش حذف شوند تا دانش واقعی و عینی به دست آید. در نتیجه، دانش-پژوهی ذهن را از قلب، فکر را از احساس جدا می‌کند، در نتیجه تفکر توسط ارزش‌ها، احساسات و خواسته‌های ناشناخته و بررسی نشده، که به ندرت از بهترین‌ها هستند، هدایت می‌شود و خرد فرو می‌ریزد. پژوهش دانش‌همچنین در ارتقای خرد شکست می‌خورد، زیرا به (۱) وظیفه پیشنهاد و بررسی انتقادی راه‌حل‌های ممکن برای مشکلات زندگی - اقدامات ممکن، سیاست‌ها، برنامه‌های سیاسی، فلسفه‌های زندگی - و (۲) وظیفه بیان و بررسی انتقادی اهداف مشکل ساز - شخصی، نهادی، اجتماعی، جهانی - اولویت نمی‌دهد. هر دو در پژوهش خرد، محوری و اساسی هستند ۸.

2- آیا تعریف صحیح خرد مشکلی ایجاد می‌کند؟

کسانی که به دنبال بهبود دانش در مورد خرد هستند، تمایل دارند که اولین قدم مهم، تعریف صحیح خرد باشد. همانطور که ریچارد تروبریج اظهار داشته است: "تعریف خرد همچنان دغدغه اصلی محققان در همه زمینه‌هایی است که به این مفهوم علاقه دارند." ۹ طرح ابتکاری آرته، که قبلاً ذکر شد، در واقع عنوان "تعریف خرد" را دارد. ۱۰ به نظر می‌رسد اولین سؤالی که باید به درستی به آن پاسخ داده شود، این است که "خرد چیست؟". با این حال، همه اینها فرض را بر این می‌گذارند که خرد نوعی ماهیت اساسی دارد که می‌تواند در تعریف صحیح «خرد» گنجانده شود. اما این ایده ارسطویی توسط کارل پوپر به شدت مورد انتقاد و تخریب قرار گرفته است. 11 در جستجوی پاسخ صحیح به «خرد چیست؟»، تعریف صحیح خرد، ما در حال جستجوی یک «راه حل» هستیم. معنای «خرد» می‌تواند به طور کاملاً مشروعی به زمینه و هدف بستگی داشته باشد. این به ما بستگی دارد که بسته به هدفمان، دقیقاً چه معنایی را از «خرد» در نظر بگیریم. و در واقع، کسانی که وظیفه تعریف خرد را جدی می‌گیرند، تعاریف بسیار متنوعی ارائه داده‌اند. 12 آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که چیزی به عنوان تعریف صحیح خرد نمی‌تواند وجود داشته باشد: جستجوی آن، جستجوی چیزی است که وجود ندارد. این چه پیامدهایی برای تلاش برای بهبود دانش - حتی دانش علمی - در مورد خرد دارد؟ فقط همین. درگیر کار بیهوده‌ی تلاش برای رسیدن به تعریف صحیح خرد نشوید. از تعریف خرد به شیوه‌ای جزئی، دقیق و محدود خودداری کنید، زیرا اگر این تعریف در کارهای بعدی جدی گرفته شود، به این معنی خواهد بود که نتایج به این تعریف محدود محدود می‌شوند. کسانی که در زمینه‌ی کسب دانش در مورد خرد تحقیق می‌کنند، اگر اصلاً تعریفی باید تدوین شود، شاید بهتر باشد که بر سر یک تعریف گسترده، آزاد و فراگیر توافق کنند. اما نکته‌ی اصلی که باید در نظر گرفته شود، البته همان چیزی است که در بالا تأکید شد. با توجه به اینکه دغدغه‌ی ما کمک به شکوفایی خرد در جهان است، وظیفه‌ی واقعاً مهم پیش روی ما نه بهبود دانش در مورد خرد، بلکه سازماندهی مجدد فعالیت‌های دانشگاهی است تا به طور کلی به جستجو و ترویج خرد اختصاص یابد. در این مرحله ممکن است اعتراض شود که من کل ایده‌ی تعریف «خرد» را نقد می‌کنم، و با این حال خودم دقیقاً چنین تعریفی را ارائه می‌دهم.

آیا نباید به آنچه موعظه می‌کنم عمل کنم؟ اجازه دهید توضیح دهم. استدلالی که چهل سال گذشته را صرف توسعه و تلاش برای ورود به عرصه عمومی کرده‌ام (درباره نیاز مبرم به ایجاد انقلاب در اهداف و روش‌های دانشگاه) ابتدا کاملاً مستقل از مفهوم «خرد» توسعه دادم. ۱۳ متعاقباً، با درک این نکته که هدف اساسی فکری و بشردوستانه نهاد دانشگاهی نه تنها باید دانش باشد، بلکه باید به مردم کمک کند تا بفهمند چه چیزی در زندگی برایشان ارزشمند است، به دنبال کلمه‌ای گشتم که جایگزین این هدف شود. به نظر می‌رسید که «خرد» ممکن است خیلی نامناسب باشد (اگرچه می‌دانستم که این کلمه معانی ضمنی مغایر با کاربردی دارد که قصد داشتم از آن داشته باشم). بنا براین، برای من، «خرد» صرفاً یک اصطلاح فنی است. این فقط خلاصه‌ای از «ظرفیت و تمایل فعال برای تحقق - درک و تحقق بخشیدن - آنچه در زندگی، برای خود و دیگران ارزشمند است» است. از نظر من، آنچه واقعاً مهم است این است که دانشگاه باید به طور عقلانی سازماندهی شده و به دنبال آن هدف باشد. اینکه به آن «خرد» گفته می‌شود، چیزی بیش از یک فکر ثانویه و فاقد اهمیت واقعی نیست. بنابراین، من به هیچ وجه به طور جدی درگیر «تعریف خرد» نیستم.

با این حال، پس از کنار کشیدن از بحث «تعریف خرد»، مایلیم نکته‌ی زیر را در تایید تعریف خودم بیان کنم. این تعریف به یک معنا با موفقیت تمام تعاریف جدی دیگر را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد یک نکته وجود دارد که همه کسانی که به خرد اهمیت می‌دهند، به نحوی، بر آن توافق دارند: خرد چیزی است که داشتن آن بسیار ارزشمند است. اگر چنین باشد، پس اگر کسی به معنای من خرد داشته باشد، منطقی است که نتیجه بگیریم که به معنای دیگر آن نیز خرد خواهد داشت. فردی که «ظرفیت و تمایل فعال برای درک آنچه ارزشمند است» را دارد، احتمالاً ویژگی‌های شخصی ارزشمندی را که با تعاریف دیگر خرد مرتبط است، هرچه که این ویژگی‌ها باشند، به دستخواهد آورد. خودشناسی، شفقت، همدلی، توانایی قضاوت خوب در مورد آنچه واقعاً مهم است و غیره. البته، اگر یکی از آن مفاهیم دیگر «خرد» به گونه‌ای باشد که داشتن «خرد» به آن معنا ارزشی نداشته باشد، آنگاه خردمند بودن به معنای من احتمالاً به «خرد» به معنای دیگر منجر نخواهد شد. اما اگر «خرد» به آن معنای دیگر چیزی نباشد که داشتن آن ارزشمند باشد، آیا این می‌تواند تعریف قابل قبولی باشد؟ مزیت بزرگ تعریف من از خرد این است که، از آنجا که خرد را به ظرفیت تحقق آنچه ارزشمند است پیوند می‌دهد اما آنچه ارزشمند است را کاملاً باز می‌گذارد، به معنایی این تعریف شامل تمام تعاریف دیگری می‌شود که خردمند بودن به هر یک از این معانی دیگر ارزشمند است یا وسیله‌ای برای تحقق آنچه ارزشمند است، می‌باشد.

یادداشت‌ها

1 استرنبرگ، آر. جی، 2003، خرد، هوش و خلاقیت تلفیقی، انتشارات دانشگاه کمبریج، نیویورک، صفحه xviii. 2. استرنبرگ، آر. جی، ویرایش، 1990، خرد: ماهیت، ریشه‌ها و توسعه آن، انتشارات دانشگاه کمبریج، کمبریج. 3. برای مثال، رجوع

کنید به: اسمیت، جی، و پی. بی. بالتس، ۱۹۹۰، مطالعه‌ای در مورد دانش مرتبط با خرد: تفاوت‌های سنی/گروهی در پاسخ به مشکلات برنامه‌ریزی زندگی، روانشناسی رشد، جلد ۲۶، شماره ۳، صفحات ۴۹۴-۵۰۵؛ بالتس، پی. بی. و یو. ام. استادینگر، ۱۹۹۳، جستجوی روانشناسی خرد، مسیرهای فعلی در علوم روانشناسی، جلد ۲، شماره ۳، صفحات ۷۵-۸۰؛ استرنبرگ، آر. جی.، ۱۹۹۸، نظریه تعادل خرد، مروری بر روانشناسی عمومی، جلد ۲، صفحات ۳۴۷-۳۶۵؛ بالتس، پی. بی. و یو. ام. استادینگر، ۲۰۰۰،

خرد: یک فراابتکاری (عملی) برای هماهنگ کردن ذهن و فضیلت به سمت تعالی، روانشناس آمریکایی، جلد ۵۵، صفحات ۱۲۲-۱۳۶؛ کونزمن، یو. و پی. بی. بالتس، ۲۰۰۳، دانش مرتبط با خرد: همبستگی‌های عاطفی، انگیزشی و بین فردی، بولتن روانشناسی شخصیت و اجتماعی، جلد ۲۹، شماره ۹، صفحات ۱۱۰۴-۱۱۱۹؛ لی، تی. ان، ۲۰۰۸، ارزش‌های فرهنگی، تجربیات زندگی و خرد، مجله بین‌المللی پیری و توسعه انسانی، جلد ۶۶، شماره ۴، صفحات ۲۵۹-۲۸۱؛ تروبریج، آر. اچ، ۲۰۰۸، خرد و یادگیری مادام‌العمر در قرن بیست و یکم، در بارنت، آر. وان. مکسول، ویرایش‌ها، ۲۰۰۸، خرد در دانشگاه، روتلج، لندن، صفحات ۶۳-۷۶؛ یانگ، اس. -وای، ۲۰۰۸، تجلیات زمینه‌ای خرد در زندگی واقعی، مجله بین‌المللی پیری و توسعه انسانی، جلد ۶۷، شماره ۴، صفحات ۲۷۳-۳۰۳؛ یانگ، اس. -وای، ۲۰۰۸، نگاهی فرآیندی به خرد، مجله توسعه بزرگسالان، جلد ۱۵، شماره ۲، صفحات ۶۲-۷۵. همچنین به آثاری که در این مقالات به آنها اشاره شده است، مراجعه کنید. از ریچارد تروبریج به خاطر جلب توجه من به بسیاری از این مقالات سپاسگزار

4 به <http://wisdomresearch.org> مراجعه کنید. این وب‌سایت فهرست بلندی از نشریات در مورد خرد دارد که از زمان انتشار کتاب خرد استرنبرگ در سال ۱۹۹۰ منتشر شده‌اند.

5 مکسول، ن.، ۱۹۸۴، از دانش تا خرد، بلکول، آکسفورد، صفحه ۶۶.

6- به وب‌سایت من www.nick-maxwell,demon.co.uk مراجعه کنید. این استدلال در مقاله من در سال ۲۰۰۷، از دانش تا خرد: نیاز به یک انقلاب دانشگاهی، لندن، بررسی آموزش، ۵، صفحات ۹۷-۱۱۵، که در آر. بارنت و ن. مکسول، ویرایش‌ها، ۲۰۰۸، تجدید چاپ شده است، خلاصه شده است. خرد در دانشگاه، روتلج، صفحات ۱-۱۹، و در www.nick-maxwell.demon.co.uk/Essays.htm موجود است. برای استدلال کامل و مفصل، به اثر من در سال ۱۹۸۴، «از دانش تا خرد: انقلابی برای علم و علوم انسانی»، بلکول، آکسفورد؛ ویرایش دوم و اصلاح‌شده، ۲۰۰۷، انتشارات پنتیر، لندن مراجعه کنید.

7- مکسول، ن.، ۱۹۷۶، «چه مشکلی با علم وجود دارد؟ به سوی یک علم عقلانی مردمی از لذت و شفقت»، انتشارات بران هد، فروم، انگلستان، صفحه ۵؛ ویرایش دوم، انتشارات پنتیر، لندن، ۲۰۰۹، صفحه ۵.

8- برای منابع، به یادداشت ۶ مراجعه کنید.

9- به اثر او در سال ۲۰۰۵، «رویکرد علمی به خرد»، صفحه ۳، موجود در www.wisdompage.com/TheScientificApproachtoWisdom.doc (دسترسی در فوریه ۲۰۱۱) مراجعه کنید.

10- به <http://wisdomresearch.org> (دسترسی در فوریه ۲۰۱۱) مراجعه کنید.

11. پوپر، کی. آر.، 1962، جامعه باز و دشمنان آن، انتشارات روتلج و کیگان پاول، لندن جلد 2، فصل 11، بخش 2، صفحات 9 تا 21.

12. رجوع کنید به ریچارد تروبریج، «تعاریف خرد»، <http://wisdomcenteredlife.org/definitions.aspx> (دسترسی در فوریه 2011).

13. اولین توضیح را می‌توان در کتاب من در سال 1976، «چه مشکلی با علم وجود دارد؟»، انتشارات برن هد، فروم، انگلستان، یافت. در آن کتاب، من از «علم عقلانی مردم از لذت و شفقت» - بخشی از عنوان فرعی کتاب - نوشتم و اصلاً کلمه «خرد» را در استدلال به کار نبردم.
